

اخبار

به بهانه حضور مازیار لرستانی پس از ۲۰ سال در تئاتر



بیش از ۲۰ ساله از آخرین حضور مازیار لرستانی در تئاتر می‌گذرد و حالا او قصد دارد بعد از این همه دوری، یکی از مشهورترین آثار ادبیات نمایشی جهان را روی صحنه بیاورد.

به گزارش ایسنا، چندی پیش حضور حمید جلی به عنوان نویسنده نمایشنامه «سوسمار» مورد توجه قرار گرفت چراکه او نیز بعد از ۲۰ سال حضوری دوباره در تئاتر رقم زد و حالا مازیار لرستانی دیگر هنرمندی است که پس از وقفه‌ای طولانی دست به کار اجرای نمایشی تازه شده است.

مازیار لرستانی هرچند نزد بیشتر مردم به عنوان بازیگر شناخته می‌شود ولی کارنامه‌ای نسبتاً پر و پیمان در زمینه کارگردانی هم دارد؛ منتها کارگردانی او بیشتر در زمینه تئاتر است. او نیز جزو دانش‌آموختگان رشته نمایش از دانشکده‌هنرهای زیباساز ودرگرایش کارگردانی از این دانشکده مدرک کارشناسی خود را دریافت کرده اما بعد از آن در زمینه فیلمنامه‌نویسی نیز در باغ فردوس آموزش دیده و مدرک کارشناسی ارشد خود را از این موسسه گرفته است. لرستانی اما در کنار تحصیل، از همان سال‌های آغازین جوانی خود، به فعالیت عملی هم روی آورده و نتیجه آن کارگردانی چندین نمایش است که برخی از آنها متون مشهور ادبیات نمایشی ایران و برخی هم نمایشنامه‌های مهم جهانی هستند

او در فاصله سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۶۹ بیشتر به عنوان بازیگر تئاتر فعال بوده و در ۱۶ اثر نمایشی به ایفای نقش پرداخته‌است.

اما از نیمه دوم دهه شصت مشغول کارگردانی هم می‌شود و نه تنها در دانشگاه تهران بلکه در مجموعه تئاتر شهر و تالار مولوی نیز نمایش‌های گوناگونی را به صحنه می‌برد.
تحصیل در دانشکده هنرهای زیبا سبب می‌شود که او نمایش‌هایی همچون «عقاب»، «دش اکل» و «متنوری» را در تالار تجربه این دانشکده روی صحنه بیاورد.

او نیز همچون اغلب دانش‌آموختگان تئاتر بخشی از فعالیت خود را در تالار مولوی انجام می‌دهد که نتیجه آن اجرای نمایش‌هایی هستند «پرده برداری» و «انتیگون» در این تالار است که به عنوان پایگاه تئاتر دانشجویی شناخته می‌شود.

لرستانی از همان نیمه دوم دهه شصت به عنوان کارگردان در مجموعه تئاتر شهر هم حضور پیدا می‌کند. اجرای نمایش‌های «حسیس دهکده روگافورد» در تالار قشقایی، «گالری» در تالار شماره ۳ «بنگاه تئاترال» در تالار چهارسو و… بخشی از این فعالیت‌هاست.

این چهره تئاتری، سال ۷۶ نمایش «سلطان مار» نوشته بهرام بیضایی را در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌برد و به فاصله دو سال بعد نمایش «تلخ بازی قمر در عقرب» نوشته نغمه ثمینی را در همین تالار اجرا می‌کند. نکته قابل تأمل اینکه او بعد از اجرای نمایشنامه مشهور بیضایی، نمایشنامه‌ای از نغمه ثمینی را برای اجرای بعدی‌اش انتخاب می‌کند که در آن مقطع نویسنده‌ای بسیار جوان و تازه‌کار بوده و «تلخ بازی قمر در عقرب» جزو اولین نمایشنامه‌های اوست.

لرستانی بعد از اجرای دو نمایش در بزرگترین سالن تئاتر شهر، برای ا اجراهای بعدی خود سال‌های کوچک‌تر این مجموعه را به‌تر می‌یابد. او به فاصله دو سال بعد نمایشنامه «در پوست شیر» را در قالب تئاتر تلویزیونی کارگردانی کرد و آن برای شبکه ۴ ساخت.

لرستانی در سال‌هایی که عمده فعالیت خود را بر کارگردانی تمرکز کرده بود، در کنار بازی در چندین مجموعه تلویزیونی و فیلم سینمایی، به مدت دو سال حضوری پررنگ به عنوان بازیگر نمایش‌های رادیویی داشت و بیشتر فعالیت او در این زمینه در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷ رقم خورده است. مازیار لرستانی این روزها مشغول آمادسازی نمایش تازه خود است. او حضور دوباره خود را در تئاتر با نمایش «در انتظار گودو» رقم می‌زند. نمایشنامه‌ای که بازتاب شرایط اروپا بعد از جنگ دوم جهانی است و یکی از نخستین آثاری است که از آنها به عنوان نمایشنامه‌های اپزود یاد می‌شود.

به گزارش ایسنا، ذوق شاعری سیدمحمدحسین از اوان کودکی نمایان شد. او در ۱۳ سالگی شعرهایش را با تخلص «بهجت» در مجله «ادب» به چاپ می‌رساند و بعدها با تغأل به دیوان حافظ شیرازی، تخلص «شهریار» را برگزید و درنهایت نامش با همین تخلص در تاریخ ادبیات ثبت شد. البته خود می‌گوید: «ذوق و حساسیت ادبی‌ام را بیشتر مدیون مادرم هستم. مادرم سواد خواندن و نوشتن نداشت ولی اشعار بسیار لطیف ترکی و فارسی را به خاطر داشت و وقتی که شعر لطیفی می‌خواند می‌لرزید و اشک می‌ریخت. این بود که علاوه بر وراثت حال و هوای مادرم از کودکی در روح من منعکس شد. در چهار پنج‌سالگی اولین شعری را که من حس کردم و به ذائقه سپردم مادرم خواند که این دو بیت ترکی بود که هنوز در مغز من صدا می‌کند و به نظر من از لطیف‌ترین اشعار نیست»: «گنتمه ترسا بالاسی منده سنه سایه گلیم/ دامنیدن یاپوشوم منده کلیسا یه گلیم» که بعدها بنده در مصرع دوم تصرف کردم و آن را این طور تغییر دادم: «گنتمه ترسا بالاسی منده سنه سایه گلیم/ قوی دالینجان سورونوم منده کلیسا یه گلیم». از این موقع خشت اول ذوق ادبی من کار گذاشته شد و این دوبیت را از چهار پنج‌سالگی حفظ کردم و همیشه می‌خواندم تا به سن هفت‌سالگی رسیدم. در سن هفت‌سالگی کلفتی داشتیم به اسم رقیه باجی. شب بود، می‌خواست شام بیاورد. من از آبگوشت بدم می‌آمد، از برنج خوشم می‌آمد. بهش گفتم: «رقیه باجی!باشیمن تاجی/ اتی ات ایتنه منه وئر کته»؛ [یعنی: آبیجی رقیه،! تاج سر من، گوشت را بنذاز جلو سگ، برای من برنج بیاور.]

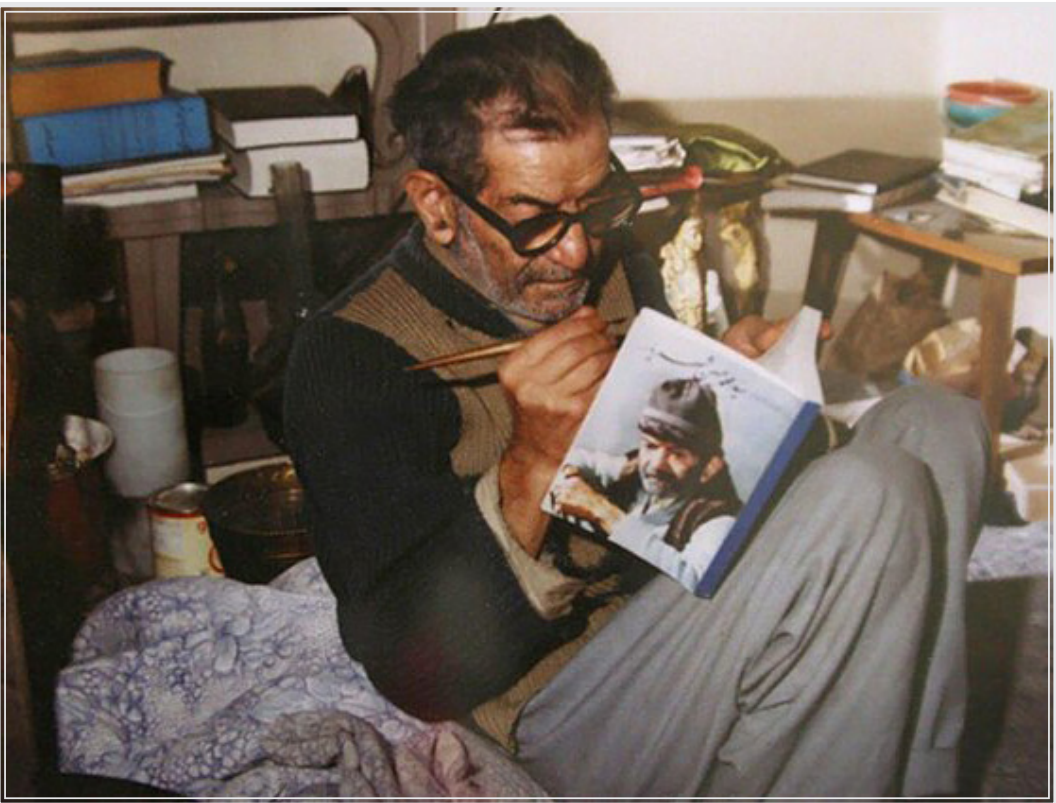
شهریار پس از تحصیلات مقدماتی خود، دوره متوسطه را در مدرسه‌های متحده و فیوضات به پایان برد و در سال ۱۳۰۰ به تهران آمد و دنباله تحصیلات خود را در دارالفنون ادامه داد، تا این‌که بالاخره در سال ۱۳۰۳ وارد مدرسه طب آن زمان شد، و پس از پنج سال تحصیل در رشته پزشکی یعنی یک سال قبل از دریافت درجه دکترای خویش، دست از ادامه تحصیل کشید و به خراسان رفت. شهرزاد دختر او به نقل از پدر گفته که روحیه پدرش با پزشکی و مخصوصاً جراحی سازگار نبوده است: «بعد از هر عمل جراحی که انجام می‌دادم، احساس ضعف می‌کردم و سالم به‌هم می‌خورد.» البته علت شکست عشقی و نازحتی خیال و پیشامدهای دیگر، بر این موضوع بی‌تأثیر نبوده است. او پس از سفری چهارساله به خراسان برای کار در اداره ثبت اسناد مشهود و نیشابور، به تهران بازگشت. در سال ۱۳۱۳ که شهریار در خراسان بود، پدرش حاج میرقا قحشگنایی که وکیل بود، درگذشت. در سال ۱۳۱۵ در بانک کشاورزی استخدام و پس از مدتی به تبریز منتقل شد. شهریار در سردون اشعار فارسی و ترکی نبحر داشت. از جمله غزل‌های معروف او می‌توان به

ترک‌پارسی‌گویی!

اثری که شهریار بر شعر فارسی گذاشت

ترک‌پارسی‌گویی!

بیست‌وهفتم شهریورماه، سی‌وپنجمین سال‌روز درگذشت سیدمحمدحسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار و روز بزرگداشت این شاعر است که در تقویم به نام روز شعر و ادب فارسی نام‌گذاری شده‌است. شهریار از چهره‌های شاخص ادبیات و شاعر منظومه معروف «حیدر بابایه سلام» است که در سال ۱۲۸۵ در تبریز متولد شد. تحصیلات مقدماتی را با خواندن گلستان و نصاب در مکتب نزد پدر دانشمند خویش شروع کرد و در همان زمان با دیوان خواجۀ الفتی سخت یافت.



هنوز هم انعکاس آن در اعصاب من باقی است. اکنون شعری که خودم بیشتر در مغزم منعکس است، قطعه «پیار بر اینشتین» است که آخرین اثرم است.

مثلاً وقتی به یاد مادرم می‌افتم قطعه «ای وای مادرم» تقریباً احساساتم را قانع می‌کند و برای این قطعه در ادبیات جدید فارسی ش‌آئی قابل می‌شوم، وقتی از خاطره‌های کودکی یاد می‌کنم منظومهٔ «حیدر بابا»، مت‌اسفانه هنوز به فارسی ترجمه نشده، برابم عزیزتر می‌نماید. گاهی که از جوانی و عشق‌های آن به یاد می‌آورم چندین غزل خاطره‌آمیز که اتفاقاً همیشه به خاطرهم هست در حالی‌که از موسیقی کمک می‌گیرم با خود زمزمه می‌کنم:

«کار گل زار شود گر تو به گلزار آیی/» «نه وصلت دیده بودم کاشکی ای گل نه هجرات»/ « نالدلم پای که چند از بی پیام بدوانی»/ «ای عنجه خندان چرا خون در دل ما می‌کنی» / «تو ای بالا بلا دلبر بگو منزل کجا داری»

وقتی از عظمت گذشت زمان و شکوه تاریخ متأثرم، منظومه «تخت جمشید» به عظمت بنای خود تخت جمشید در نظرم خودنمایی می‌کند، به ندرت هم یادی از محرومیت‌های خود و بی‌وفایی پاران کرده و این غزل را آهسته و زیر لب می‌خوانم:

هنوز هم انعکاس آن در اعصاب من باقی است. اکنون شعری که خودم بیشتر در مغزم منعکس است، قطعه «پیار بر اینشتین» است که آخرین اثرم است.

مثلاً وقتی به یاد مادرم می‌افتم قطعه «ای وای مادرم» تقریباً احساساتم را قانع می‌کند و برای این قطعه در ادبیات جدید فارسی ش‌آئی قابل می‌شوم، وقتی از خاطره‌های کودکی یاد می‌کنم منظومهٔ «حیدر بابا»، مت‌اسفانه هنوز به فارسی ترجمه نشده، برابم عزیزتر می‌نماید. گاهی که از جوانی و عشق‌های آن به یاد می‌آورم چندین غزل خاطره‌آمیز که اتفاقاً همیشه به خاطرهم هست در حالی‌که از موسیقی کمک می‌گیرم با خود زمزمه می‌کنم:

«کار گل زار شود گر تو به گلزار آیی/» «نه وصلت دیده بودم کاشکی ای گل نه هجرات»/ « نالدلم پای که چند از بی پیام بدوانی»/ «ای عنجه خندان چرا خون در دل ما می‌کنی» / «تو ای بالا بلا دلبر بگو منزل کجا داری»

وقتی از عظمت گذشت زمان و شکوه تاریخ متأثرم، منظومه «تخت جمشید» به عظمت بنای خود تخت جمشید در نظرم خودنمایی می‌کند، به ندرت هم یادی از محرومیت‌های خود و بی‌وفایی پاران کرده و این غزل را آهسته و زیر لب می‌خوانم:

پناه بردن به ادبیات تحریم شیوه دولت‌های بی‌منطق و مستاصل است



استعمارگران این بار آشکارا به جنگ اصحاب فرهنگ و رسانه و از همه مهم‌تر به جنگ اندیشه و خرد ایرانی و اسلامی آمده‌اند. طبیعی است که اندیشه لیبرالیستی و اومانیستی تحمل رشد و شکوفایی اندیشه دینی و خادمجوی را نخواهد داشت. ضمن تلاش برای جلوگیری از تبلیغ، ترویج و تعمیق اندیشه برگرفته از نظام فکری شیعه و میراث ماندگار امامت و ولایت یعنی ولایت فقیه، مروچین و پاسداران این حریم را تحریم و عصیانبت خود را آشکار سازند. به قول شهید دکتر بهشتی «به آمریکا بگویید از دست ما عصیانی باش و از این عصیانبت بمیر.» بدون تردید، همه‌های ناجوانمرانده به ساحت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ما را مضمتم‌تر از همیشه به سوی قوی‌تر شدن

محمد خزاعی در واکنش به تحریم وزیر ارشاد؛

محمد خزاعی رئیس سازمان سینمایی طی نامه‌ای سرگشاده به تحریم محمدهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و قائم مقام وی از سوی کنشورهای غربی واکنش نشان داد.

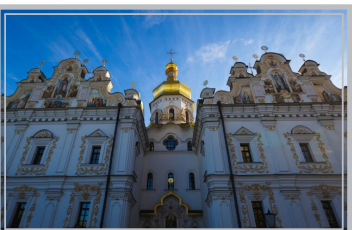
محمد خزاعی تهیه کننده سینما و رئیس سازمان سینمایی طی نامه‌ای سرگشاده به تحریم محمدهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و محمد هاشمی قائم مقام وی از سوی کشورهای غربی واکنش نشان داد.

متن این نامه به این شرح است: «تحریم حاصل عصیانبت نظام سلطه از مدیریت جریان ساز وزیر انقلابی فرهنگ و ارشاد اسلامی است. استعمار برای پیشبرد اهداف خود، تنها از طریق سلطه قهری عمل نمی‌کند، بلکه شیوه‌های فکری و فرهنگی را نیز در پیش می‌گیرد تا سلطه خود را نهادینه و دائمی سازد و می‌کوشند تا با تحریم چهره‌های شاخص و رسانه‌های اثرگذار در اراده پولادین و اندیشه باب برخاسته از دین مبین اسلام خللی ایجاد کنند. زهی خیال باطل. انگلیس و آمریکا در صدد هستند با تحریم شخصیت‌هایی همچون وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی آقای دکتر اسماعیلی شکل جدیدی از خوی استعماری را در حوزه فرهنگ، بازتولید کرده و به اعمال سلطه نرم در فضای جامعه بپردازند اما چهان خواهد دید نظام سلطه، همچنان که تاکنون، نتوانسته به اهداف نامشروع سیاسی، نظامی و اقتصادی خود در ایران عزیز دست یابد، در حوزه فرهنگ نیز، شکست خواهد خورد چرا که به جامعه قدرتمند با تمدنی چند هزار ساله و ملتی با اعتقاد عمیق به دین اسلام، مکتب اهل بیت (ع)، فرهنگ عاشورا و تاریخ مهدویت از این همه‌ما، گزندنی نخواهد رسید.

فرهنگ و هنر

اخبار

فهرست میراث جهانی یونسکو تغییر کرد



کمیته میراث جهانی «یونسکو» با پایان دادن به روند بررسی پرونده‌های میراث در معرض خطر، مرحله تأیید مکان‌های جدید برای راه‌یابی به فهرست میراث جهانی را آغاز کرد.

به گزارش ایسنا به نقل از سی‌ان‌ان، کمیته یونسکو در روزهای اخیر دو مکان میراث جهانی در اوکراین را به فهرست مکان‌های در معرض خطر و نیازمند به حفاظت این نهاد اضافه کرد. به این ترتیب کلیسای جامع «سنت سوفیا» که در قرن یازدهم میلادی با موزائیک‌ها و فرسکوهای خیره‌کننده ساخته شده و مجموعه ساختمان‌های صومعه «پچرسک لورا» که هر دو در کی‌یف واقع شده‌اند به همراه مجموعه تاریخی در شهر غربی «لوبوو» از اوکراین به فهرست میراث جهانی در معرض خطر یونسکو اضافه شدند. مرکز تاریخی شهر «لوبوو» که در نزدیکی مرز لهستان واقع شده است، از یک قلعه قرن پنجمی و چندین ساختمان مذهبی دیگر تشکیل می‌شود.

مکان‌هایی در «فهرست میراث جهانی در معرض خطر» قرار می‌گیرند که توسط عواملی همچون جنگ‌های نظامی، قجایع طبیعی و آلودگی تهدید شده باشند.

کمیته یونسکو از روز شنبه ۱۶ سپتامبر روند بررسی پرونده‌های معرفی‌شده برای راه‌یابی به فهرست میراث جهانی یونسکو را آغاز کرد.

بر این اساس «پارک ملی اندزا-کوکووا» در «کنگو»، که یکی از قدیمی‌ترین پارک‌های آفریقا و یکی از بزرگترین جنگل‌های گرمسیری جهان به شمار می‌رود، به فهرست میراث جهانی یونسکو اضافه‌شد.

در جزیره فرانسوی «مارتینیک» نیز آتشفشان‌ها و جنگل‌های «کوه پله» و «پیتونها» در بخش شمالی این جزیره به فهرست میراث طبیعی جهانی یونسکواره یافتنند. همچنین «خلیج ها لوگ» واقع در ویتنام که پیش‌تر در فهرست میراث جهانی قرار داشت، در اجلاس امسال گسترش یافت و جزیره «کات با» نیز به محدوده آن اضافه شد. «خلیج ها لوگ» نخستین‌بار در سال ۱۹۹۴ در فهرست میراث جهانی قرار گرفت.

علاوه‌بر این «پارک ملی تسینگ‌ی د بمارها» در «ماداگاسکار» نیز گسترش یافت و جنگل «Andrefana» نیز به محدوده آن اضافه شد. با اداها رنند بررسی پرونده‌ها، محوطه باستانی متشکل از تخته‌سنگ‌های عظیم و محوطه‌های عصر برنز در مغولستان به فهرست یونسکو اضافه شد. همچنین محوطه باستانی «لینگاپورا» در «کامبوج» و منظره «گدئو» آتیوپی به این فهرست راه یافتند.

علاوه‌بر این راهبریکه «فره‌قوم _ زرافشان» از جاده ابریشم برای تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان به فهرست میراث جهانی یونسکو اضافه شد.

«تل السلطان» از فلسطین نیز دیگر پرونده‌ای بود که مورد تأیید چهل و پنجمین کمیته میراث جهانی یونسکو قرار گرفت.

جنگل هیرکانی که در سال ۲۰۱۹ به نام ایران و جمهوری آذربایجان ثبت شده بود، با افزودن دو بخش از منطقه آذربایجان، گسترش یافت. ایران همچنین موفق شد ۵۴ کاروانسرا با قدمت از ساسانی تا قاجار را در قالب یک پرونده در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت کند.

بنیان و توگو نیز یک محوطه باستانی مشترک در «Koh Ker» یک سایت باستانی دورافتاده را به فهرست میراث جهانی یونسکو اضافه کرد. محوطه تاریخی گوربشته‌های گاپا از کره جنوبی نیز در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار گرفت و چین منظر فرهنگی جنگل‌های قدیمی چای را ثبت جهانی کرد. Santiniketan که به عنوان یک شهر دانشگاهی شناخته می‌شود، در صد مایلی دانشا کلکته از هند در اجلاس امسال به فهرست میراث جهانی یونسکو اضافه شد. یک محوطه طبیعی به فهرست میراث جهانی یونسکو راه یافتند. آلمان نیز موفق شد یک کلیسای یهودی را ثبت کند و لتونی هم یک شهر قدیمی را به فهرست میراث جهانی یونسکو اضافه کرد.

دلبری از چینی‌ها به شیوه سمنانی



تمام ظرفیت کشور معرفی نشود. از همین‌رو برای تعدادی از شهرها به صورت موضوعی برنامه‌هایی داریم، مثلاً اردبیل با برگزاری اجلاس کشورهای عضو اکو توانست توجه‌ها را به خود جلب کند و قراردادی بین یکی از استان‌های چین و اردبیل بسته شد تا تعداد مشخصی گردشگر از چین به اردبیل فرستاده شود. اکنون گردشگری یادآور شد: البته موضوع ما فقط چین نیست، چون موضوع این نشست سفر هیأت ایران به چین بود. این مثال‌ها آورده شد و این صحبت‌ها به منزله غفلت از بازارهای اروپایی و دیگر کشورها نیست. ما قصد داریم در نمایشگاه‌های اروپایی حضور پررنگ‌تری داشته باشیم. در چین این فرصت برای سمنان پیش آمد، ولی برای همدان، بوشهر و زنجان برنامه‌های مستقل و مشخصی داریم. شالیفان در ادامه به برخی ایده‌ها و پیشنهادهایی که به سمنان داده شده‌تا از این طریق به جذب گردشگران چینی اقدام کند، اشاره کرد و افزود: نخستین اقدام ما تشکیل دبیرخانه ائتلاف شهرهای در مسیر جاده ابریشم است و مسئولیت آن به شهرداری سمنان سپرده شده است. مشقو‌هایی هم برای ساخت مراکز اقامتی از سوی شهرداری اعطا خواهد شد. معرفی ظرفیت‌ها و تولید محتوا ماموریت تعریف‌شده دیگر برای استان سمنان است؛ ما درباره سمنان هیچ محتوایی نداریم و اولویت باید بر تولید محتوا باشد. استان سمنان محور گذر است و سال‌ها قبل شعار تبدیل از مقبر به مقصد را داشتند که لازمه آن معرفی و تولید محتواست. در اردیبهشت سال آینده نیز نشست اعضای این ائتلاف شهرهای در مسیر جاده ابریشم در سمنان برگزار می‌شود.

احمد تجری، مدیرکل سرمایه‌گذاری، زیرساخت‌ها و مناطق نمونه گردشگری نیز به استان سمنان پیشنهاد کرد با توجه به زمان‌بر بودن ایجاد و توسعه زیرساخت،

سفير چین در ايران چندی پيش كه به اين استان سفر كرد با ديدن باقاي‌مانده جاده ابريشم در اين استان شگفت‌زده شد. قطعا اگر اين استان با چين تعامل برقرار كند، نتيجه خوبي به‌دست خواهيم آورد.

او همچنين به مذاكراتي كه در سفر هيأت گردشگري ايران به چين صورت گرفت، اشاره كرد و از پيشنهاد خواهرانودنگي سمنان با «چيانگ‌شي» چين خير داد و از رايزني‌ها در شهر شن‌زن و مذاكره با ۷۰ آژانس گردشگري در شانگهاي سخن گفت. در ادامه پيشنهادهايي درباره ضرورت توسعه زيرساخت در استان سمنان در صورت بازرايي در چين مطرح و از شهرداري سمنان درخواست شد بنسته مشقو‌هاي سرمايه‌گذاري را طراحي و عوارض و ماليات‌ها را براي يك دوره محدود از تاسيسات گردشگري حذف كند. موسوي، شهردار سمنان نيز در ادامه اين پيشنهادها اظهار كرد: تنها موضوعي كه مي‌تواند منطقه را متحول كند، گردشگري است، به‌ويژه در مناطق مثل سمنان كه پيشرفت در آن‌ها به كندى پيش مي‌رود. ليلا آژدرى-مديركل دفتر بازرايي و توسعه گردشگري خارجي، نيز روي معرفي پرقدرت ظرفيت‌ها و حضور در نمايشگاه‌ها و رويدادهاي كشورهاي ديگر، از جمله چين تاكيد كرد.

در نمايشگاه‌هاي اروپا پررنگ‌تر می‌شويم

شاليفان. معاون گردشگري- نيز در ادامه پيشنهادهايي كه در اين نشست مطرح شد، بر ضرورت توزيع مكاني گردشگري داخلي و ورودى تاكيد كرد و افزود: در گردشگري داخلي توزيع نادرست مكاني، ساير مكان‌ها را از مزايای گردشگري بهره‌مند نمي‌كند و بعضا آسب‌هايي هم براي مقاصد سفر به همراه دارد. در گردشگري ورودى نيز محدود شدن به مسيرهاي سنتي و كلاسيك باعث مي‌شود